

وصیت نامه
سیجی
شهید
سن عشوری



ستاد بزرگداشت شهید

" من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا..."

" اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله - اشهد ان عليا ولي الله "

سلام و درود خدا و فرشتگانش بر آخرین ذخیره ی آسمان امامت و ولایت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) این منجی عالم بشریت.

درود بیکران بر روح مطهر و ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام راحل عظیم الشان که با انفاس قدسی خود انقلاب اسلامی را پایه گذاری نمود.

سلام و صلوات خاصه ی خداوند به ارواح طیبه شهدای اسلام، از صدر اسلام تا به امروز، این گلگون کفنان که با نثار جان خویش نهضت اسلام را تا به امروز پیش برده اند.

خداوندا ؛ دستانم را یارای نوشتن نیست. نمی دانم از چه بگویم و بنویسم. از این دست و پایی که در راه رضای تو گام برداشته اند، از این قلب سیاه که با گناه، سیلاب عصیان در راه تو را در پیش گرفته است.

پورودگارا؛ ای خالق آسمانها و زمین، ای فریادرس بیچارگان، ای نهایت آمال و آرزوی عارفان، مرا دریاب.

اینک این بنده ی حقیر و مسکین و ذلیل، ناامید رو به سوی تو آورده است، او را ناامید برنگردان.

خدا یا ؛ این تو بودی که همواره مرا در کنف عنایت خود قرار دادی و از گذرگاههای تاریخ دنیا که جز تو مرا مدرسانی نبود به سلامت عبور دادی و در مقابل این من بودم که پس از هر درخواستی از تو در جهت عصیان و سرکشی از اوامرت گام برداشتم و خود را در ورطه ی هلاکت انداختم. این بنده نوازی تو بود که مرا پس از هر کار ناصوابی به سوی خود فرا خواندی و قلم عفو بر قصور و تقصیر من کشیدی و مرا رسوای عالم نساختی. اکنون چقدر خود را در برابر عظمت تو حقیر می پندارم.

خداوندی که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و حکمرانی تمام عالم در ید اختیار اوست، مگر نمی تواند بنده ضعیف و خطاکار خود را به سخت ترین شیوه مجازات کند؟ انگار که انسان سرمست از پیروزیها و خوشیها، فراموش کرده است که او هیچ قدرت و اختیاری از خود ندارد و همه آموزش متکی به ذات خداوند است!

خداوندا ؛ تو خود فرمودی که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. آغوش بگشا و ردا ی سرخ شهادت را که به بهترین بندگان عطا فرمودی به من نیز عطا فرما و مرا با شهدای صدر اسلام محشور فرما.

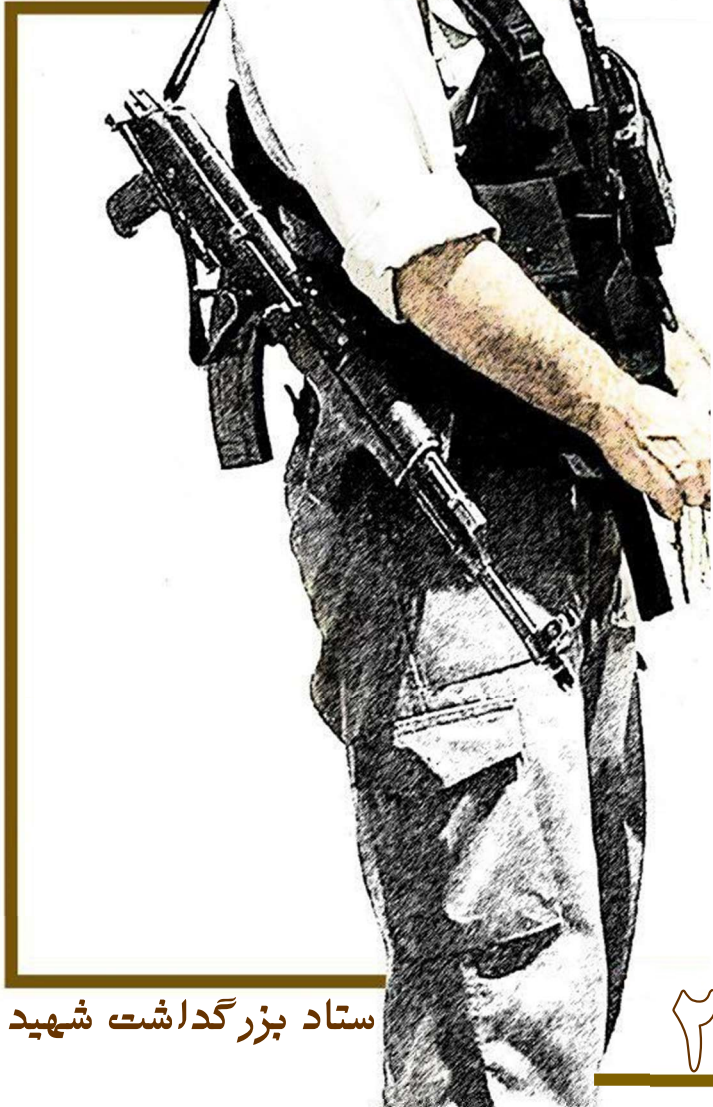
معبودا ؛ تو خود می دانی در این شبها و روزهای ظلمانی زندگی در دنیا، دیگر هیچ آرزویی جز وصال به تو با شهادت برایم باقی نمانده.

بارالها؛ نمی خواهم خود را چونان پرنده ای در قفس این دنیا محبوس ببینم. بال و پر می خواهم برای پرواز. به جز این جان ناقابل چیز دیگری ندارم و آن را هم پیشکش به درگاہت آورده ام. چگونه می توانم تو را از یاد ببرم زمانی که فرمودی : کسی که مرا طلب کند مرا می یابد و کسی که مرا یافت مرا می شناسد و کسی که مرا شناخت، مرا دوست می دارد و کسی که مرا دوست داشت، عاشقم می شود و کسی که عاشق من شد، من عاشق او می شوم و کسی که من عاشق او شدم او را می کشم و کسی که من او را کشتم خون بهای او به عهده من است و کسی که دیه او برعهده من باشد، خودم دیه او می شوم.

می خواهم ماجرای را برای شما نقل کنم که شنیدن آن برای همه مفید است. شبی در عالم خواب خود را در مکانی دیدم که پشت دری به حالت انتظار ایستاده ام و پس از چند لحظه اجازه ورود به من داده شد. من نیز به داخل اتاق رفتم. مردی با لباس عربی تمام سیاه و بی سر در حالی که خون به لباسش جاریست در برابرم ایستاده بود، در همین لحظه و در عالم خواب در مقابل آن مرد بی سر ، به زمین افتادم و هیچ گونه توانایی تکلم و حرکت نداشتم. در همین حین صدایی به گوشم رسید که چشمانت را باز کن. باز زحمت بسیار فقط توانستم چشمانم را باز کنم، سپس به من نارسید که این مرد بی سر امام مظلوم حسین ابن علی (علیه السلام) است پس از چند لحظه که از آن حال خارج شدم.

شهید علوی مدافع امنیت

وصیت نامه
بسیجی
شهید
سن عشوری



دیدم ابا عبدالله (علیه السلام) با سر مبارک و لباس زیبایی که به تن داشتند در سمت راست من و با فاصله‌ای اندک بر روی منبر نشسته‌اند و به من خیره شده‌اند، در حالی که لبخندی بر لب داشتند. در عالم خواب به خود نهیبی زدم و گفتم که اگر این فرصت را از دست بدهی عمرت سراسر تباه شده است. با هر مشقت و سختی که بود کشان کشان خود را به اولین پله منبر امام حسین (علیه السلام) رساندم و پله اول ایشان را به دست گرفتم. وجود نازنین ابا عبدالله (علیه السلام) در حالی که با تبسم به من نگاه می‌کرد از من پرسیدند: چه می‌خواهی؟ عرض کردم مولاجان فقط می‌خواهم برات شهادت مرا امضاء کنید. با همان لبخندی که بر لبان مبارکشان نقش بسته بود، سر مبارک خود را به حالت رضایت تکان دادند.

ای کسانی که امروز صدای مرا می‌شنوید: مبادا، مبادا، مبادا پدر و مادرم را ملامت کنید که چرا اجازه دادید تنها فرزند پسر شما در این شغل پر مخاطره مشغول به کار شود! اگر من تنها پسر پدر و مادرم بودم مگر نمی‌دانید و نشنیده‌اید که امام حسین (علیه السلام) نیز تنها یک علی اکبر (علیه السلام) داشت. مگر نمی‌دانید که مولایم حسین (علیه السلام) فرزند شش ماهه خود را فدای اسلام کرد. من خود این راه را از روی ایمان و اعتقاد قلبی انتخاب نموده‌ام.

خداوندا: تو خود می‌دانی که بهترین لحظه زندگیم زمانی خواهد بود که محاسنم به خون بدنم خضاب گردد و جانم را در راه اعتلای دین تو تقدیم کنم.

پدر و مادر و خواهرانم؛ مبادا در شهادت من گریه و ناله سر دهید که این ناله‌های شما دشمنان انقلاب را خوشحال می‌کند. مادر جان؛ از تو می‌خواهم همچون مادر وهب، آن شیر زن کربلا روحیه و استقامت خود را حفظ کنید و به یاد داشته باش که با خداوند معامله کرده‌ای. معامله‌ای که در آن حسرت و پشیمانی وجود ندارد.

خواهرانم؛ هرگاه غم فراق من به دلتان سنگینی کرد به یاد مظلومیت و مصائب حضرت زینب (سلام الله علیها) در ایام اسارت و پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) بیفتید و صبر این بانوی بزرگ را نصب العین خود قرار دهید. از شما می‌خواهم که حجاب خود را که چادر کامل است هرگز به سستی نگیرید که از شما به شدت دل‌گیر خواهم شد. فرزندان‌تان را نیز با تربیت اسلامی تعلیم دهید و آنان را مطیع محض ولایت فقیه نمائید.

پدر و مادر عزیزم؛ در محضر شما بسیار شرمندهم و از شما تقاضای عفو و بخشش دارم. شما بسیار علاقمند بودید که من به تربیت معلم بروم. اما چه کنم که آرزوی دیرین من یعنی شهادت در راه خدا با رفتن به این شغل محقق نمی‌شد.

پدرجان؛ شما علاقه و عشق به این نظام و انقلاب را در دل من شعله ور ساختی و مرا با مسجد و قرآن آشنا کردی. این تو بودی که به من آموختی باید برای رضای خدا کار کنم و دلبسته به رحمت خدا باشم. همیشه برایم یک الگوی انقلابی و حزب الهی بودی که جز برای خشنودی خدا نیت و انگیزه دیگری نداشته باشم. از تو می‌خواهم چونان قله محکم تاروز تشریف فرمایی امام عصر (عج الله) پشت سر ولایت فقیه و رهبر عزیزمان امام خامنه‌ای (دامت برکاته) قدم برداری و همچون گذشته به مانند یک بسیجی بی نام و نشان در خدمت نظام اسلامی باشی.

ستاد بزرگداشت شهید

شهید علوی مدافع امنیت

وصیت نامه
بسیجی
شهید
سن عشوری



ستاد بزرگداشت شهید

مادر عزیزتر از جانم؛ هرگز فراموش نمی‌کنم که این شخصیت امروز من نتیجه تربیت صحیح اسلامی شما و حضور مداوم با تو در جلسات قرآن و مراسمات اهل بیت (علیهم السلام) از همان دوران طفولیت است، چگونه می‌توانم بار زحمات و تلاش‌هایی را که برای من کشیده‌ای جبران کنم؟! اما این را بدان که ان‌شاءالله در صحرای محشر و در روز قیامت شرمنده حضرت زهرا (سلام الله علیها) نخواهی شد. یقین دارم که در آن روز حضرت زهرا (سلام الله علیها) را با رویی سرشار از رضایت ملاقات خواهی نمود. یادت باشد که در آن لحظه شفاعت مرا نزد خانم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کنید و از ایشان بخواهید که شفیع من باشند.

برادران و خواهران دینی؛ شما سفارش اکید به رعایت موازین اسلام و انقلاب می‌کنم. همواره از ولایت فقیه این عمود خیمه انقلاب و شخص امام خامنه‌ای (دامت برکاته) تبعیت محض کنید که سعادت دنیا و آخرت شما در گرو حمایت از ولایت فقیه است. مبدا مظلومیت شیعه تکرار شود. مبدا دشمن عرصه را بر ولی فقیه زمان شما تنگ کند و از حمایت از ولایت فقیه تردید ایجاد کند.

در مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی به جایگاه ولایت فقیه و رهبری عزیز توجه نمایید و نسبت به آن بی‌تفاوت نباشید. بدانید که عامل بقای نظام و کشور در این سال‌ها پس از امام راحل و ایثار شهدای عزیز، فقط و فقط شخص امام خامنه‌ای (دامت برکاته) می‌باشند.

همیشه افراد کوتاه فکر داخلی، لیبرال‌ها، افراد به اصطلاح روشن‌فکر که از اسلام ناب محمدی (صلی الله) کینه به دل دارند سعی در تضعیف جایگاه ولایت فقیه دارند. به هیچ وجه به آنها مجال عرض اندام ندهید و با تبعیت از امام خامنه‌ای (دامت برکاته) نقشه‌های آنان را نقش بر آب کنید. در انتخابات که میزان و نماد دموکراسی جمهوری اسلامی است، شرکت فعال داشته باشید و در انتخاب اصلح به معیارهای ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری توجه کنید.

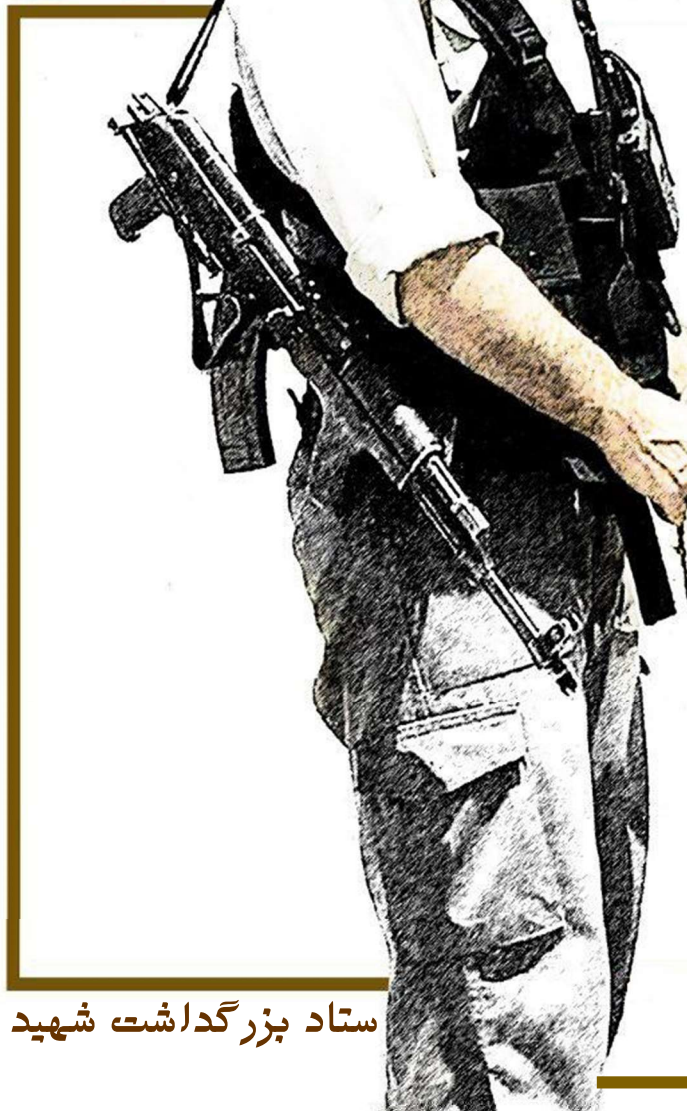
مسئولین؛ اگر صدای مرا می‌شنوید برای چند لحظه تأمل کنید. فردا روزی خواهد رسید که در دادگاه عدل الهی از تمامی ما حساب کشی می‌شود. مبدا آخرت خود را به خاطر برخی از مسائل سیاسی ناچیز که دل رهبر عزیز ما را به درد می‌آورد از دست دهید. این فرصت تاریخی که برای اعتلای اسلام و انقلاب در اختیار شماست در اختیار هیچ یک از اهل بیت (علیهم السلام) نبوده، مبدا کم‌فروشی کنید که دنیا و آخرت خود را تباه می‌کنید. به معنای واقعی کلمه مطیع محض دستورات ولی فقیه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) باشید.

برادران همکار؛ همواره خود را به لحاظ روحی و جسمی آماده مبارزه با کفار و دشمنان این نظام نگاه دارید. اگر می‌خواهید در کارهایتان موفق شوید همواره این واقعیت را در جلو چشمان خود زنده و بینا نگاه دارید که شهدا حاضر و ناظر بر اعمال شما هستند. برادران شما در خط مقدم جهاد فی سبیل الله قرار دارید. با اتکاء به عنایات خداوند و در ظل توجهات ولی عصر (عج) الله تعالی و با همکاری سایر نیروهای مسلح تهدیدات را از کشور دور و دشمن را در نیل به اهدافش ناکام بگذارید. همواره در کارهایتان اخلاص داشته باشید و با روحیه بسیجی در تنگناهای کار به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) متوسل شوید که ریسمان محکمی برای شماست.



شهید علوی مدافع امنیت

وصیت نامه
بسیجی
شهید
حسن عشوری



در پایان از همه شما می خواهم سلام مرا به رهبر عزیزم این سلاله پاک زهرا برسانید و به ایشان بگوئید که تا آخرین قطره خونم دست از حمایت و بیعت با ایشان برنخواهم داشت و همواره خود را فدایی و پیش مرگ ایشان می دانم.
خدایا؛

تو خود می دانی که نمی توانم تمام حرف هایم را بر روی این صفحه ناچیز کاغذ بیاورم و لاجرم برخی از آنها بین من و خودت تا قیامت باقی می ماند. در پایان از همه دوستان و اقوام که با رفتار خود آنان را رنجیده خاطر نموده ام طلب عفو و بخشش دارم.

چند سفارش :

- ۱- این وصیت نامه به برادر محمدحسن محمدی تحویل داده شده است.
- ۲- مزار من باید در آستانه ماجیان و در کنار شهید عاشورایی غلامرضا آقاجانی باشد.
- ۳- به هیچ وجه تا زمان پیداشدن قبر مطهر حضرت زهرا(سلام الله علیها) برای من سنگ قبری تهیه نکنید.
- ۴- در لحظه تدفین تربت کربلا، کفن کربلا و پیشانی بند یازهرا فراموش نشود.
- ۵- مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ تومان بابت سهل انگاری های من در استفاده از بیت المال به محل کارم پرداخت نمائید.
- ۶- به هیچ وجه در مراسم من هزینه های اضافی و اسراف نشود.
- ۷- سهمیه و حقوق من پس از اینکه متاهل شدم به همسر و پدر و مادرم رسید، مابقی به یتیمان کمیته امداد حضرت امام(رحمه الله) برسد.

والسلام علی من التبع الهدی

سرباز کوچک اسلام "حسن عشوری" ۲۹ شهریور ۹۴

سایه تیغ شهادت که به خون رنگین است
بهر مردان خدا جنت علیین است
جایی از مرتبت عشق ندیدم خوشتر
این بهشتیست که با عشق علی(ع) تضمین است

ستاد بزرگداشت شهید